بند 17: دو تصمیم تعجب آور

مهدویان، هادی

بررسی بندهای اقتصادی قطعنامه شورای امنیت‏ بند 12: دو تصمیم تعجب‏آور

بندهای 12،13،14 و 15 قطعنامه به نحوه مسدودی و بلوکه‏شدن وجوه،منابع مالی و دارائی‏های در اختیار یا تحت تملک اشخاص مذکور در پیوست قطعنامه، اختصاص یافته است.دو تصمیم تعجب‏آور در بند 12 وجود دارد:

نخست،الزامی کردن این تصمیم بلافاصله پس از تصویب قطعنامه و عدم لحاظ هرگونه فرجه و زمان برای‏ ابلاغ مصوبه که معمولا در اینگونه مصوبات مراعات‏ می‏شود تا از اجرای ناهمآهنگ و غیرهمزمان تصمیمات‏ جلوگیری به عمل آید.

دوم،واگذاری هرگونه تصمیم در خصوص بسط و قبض لیست اسامی اشخاص پیوست قطعنامه که به‏ "کمیته‏"تعیین شده از جانب شورای امنیت محول گردیده‏ است.به این ترتیب‏"کمیته‏"اختیار خواهد داشت تا در مسدودی اموال و وجوه اشخاص ایرانی مورد نظر خود اقدام کند.

در بند 13 قطعنامه به کشورهای عضو اجازه داده شده‏ است تا هزینه‏های اداری،هزینه‏های خاص و حقوقی و همچنین هزینه‏های سایر امور نظارتی و بازرسی را با اطلاع به‏"کمیته‏"و یا با مجوز"کمیته‏"،به طور مستقیم از حساب‏های مسدودی اشخاص ایرانی برداشت کنند. در بند 14 قطعنامه گفته شده است که حساب‏های‏ مسدودی از بابت بهره سپرده،وجوه مربوط به‏ قراردادهای گذشته و سایر امور،می‏تواند افزایش داشته‏ باشد(حساب‏های مسدودی می‏تواند بستانکار شود)، مشروط برآنکه وجوه اضافه شده نیز مشمول ترتیبات‏ مسدودی گردد.بند 15 قطعنامه به تعهدات و بدهی‏های‏ اشخاص ایرانی مشمول تحریم مربوط است.در این بند گفته شده است که تسویه تعهدات و بدهی‏های مالی‏ یکی از دلایلی که آمریکا و بانک‏های اروپایی ایران را از خدمات بانک محروم‏ ساخته‏اند،نبود قانون‏ پولشویی و عدم تامین مالی‏ تروریسم در ایران است

اشخاص ایرانی مشمول تحریم مشروط برآنکه‏"کمیته‏" در جریان امر قرار گیرد(به استثنای تسویه بدهی‏ها و قراردادهای مربوط به کالاها و تجهیزات ممنوع)،به‏ دست دولت‏های عضو امکان‏پذیر است.

اما درباره اینکه ایران چه راهی را باید برگزیند.مطمئنا یکی از دلایلی که آمریکا و بانک‏های اروپایی ایران را از خدمات و سرویس دلاری و به طور کلی خدمات بانکی‏ و از جمله سرویس اصل بازگشت( u-turn محروم‏ حذف دلار از حوزه عملیات‏ ارزی ممکن است ساده باشد، اما حذف نقش دلار به عنوان‏ ارز مرجع کار ساده‏ای‏ به نظر نمی‏رسد

ساخته‏اند،نبود قانون پولشویی و عدم تامین مالی‏ تروریسم( AML/CFT )در ایران است.هم‏اکنون ایران‏ به دلیل آنکه قانون پولشویی و ضد تامین مالی تروریسم‏ ندارد،در این زمینه ناهمراه( non-compliant )تلقی‏ می‏شود و به این اعتبار کشورهای صنعتی دلایل حقوقی‏ برای محرومیت ایران از خدمات مالی و بانکی را در اختیار دارند.البته این امر تنها دلیل محروم کردن ایران از خدمات پولی و بانک نبوده است،اما یقینا یکی از دلایل‏ حقوقی محرومیت ایران هست.

موضوع دوم،دقت در موضوع ضرورت خروج از دلار است.ضرورت‏های این امر با توجه به محرومیت‏ ایران از u-tun و عدم کسب خدمات دلاری از جانب‏ بانک‏های اروپایی،اجتناب‏ناپذیر است.به نظر می‏رسد که مسئولین کشور در خروج از دلار بیش ار هرچیز به‏ امنیت دارئی‏های خارجی رسمی(دولت و بانک‏ مرکزی)و عملیات بخش دولت توجه دارند،که البته‏ بسیار مهم است.اما باید توجه کرد که این همه قضیه‏ نیست.حذف دلار از حوزه عملیات ارزی ممکمن است‏ ساده باشد،اما حذف نقش دلار به عنوان ارز مرجع کار ساده‏ای به نظر نمی‏رسد.با توجه با توجه به آنکه لنگر دلار در نظام اقتصادی ایران تقریبا"نقش تثبیت اقتصادی را در شرایط فقدان تثبیت پایه بودجه،ایفا می‏کند،لذا ضرورت‏ دارد هرچه سریع‏تر مجلس و دولت یک گروه کاری را مامور نمایند تا در این زمینه بررسی‏های لازم را انجام‏ دهد.

موضوع پوشش بیمه‏ای ابزارهای( hedging )برای‏ فعالان بخش خصوصی در انتقال از دلار به یورو و سایر ارزهای جهانروا مطلب مهم دیگر است که باید توسط گروه کاری مزبور بررسی شود.